

## فضیلت صمت و سکوت از منظر روایات

امیر جوان مایوسفی<sup>۱</sup>، اکبر ساجدی<sup>۲</sup>، جواد نعمتی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> سطح سه حوزه علمیه قم و معاونت تهذیب مدرسه علمیه صاحب الزمان (عج)، مرند

<sup>۲</sup> عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش‌های بین رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت و دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

<sup>۳</sup> عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش‌های بین رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت و استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

نویسنده مسئول:

جواد نعمتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز معارف اسلامی

### چکیده

سخن‌گویی یکی از قدرتهای خدادادی انسان است که نیازمند پرورش و مراقبت است. در آموزه‌های اسلامی روی عنوان سکوت و صمت تأکید فراوانی شده و آثار مهم تربیتی و اخلاقی بر آن بار شده است. مقاله حاضر با محور قرار دادن آموزه‌های روایی و انتخاب شانزده روایت از بین انبوه روایاتی که ناظر به مسئله صمت و سکوت است، به این نتیجه دست یافت که در روایات اسلامی آثار ذیل بر صمت و سکوت بار شده است: «ایمان حقیقی»، «بندگی حقیقی خدا»، «گنج بسیار برای دانا و پوشش عیب برای نادان»، «ایمنی از پشیمانی»، «پرورش دهنده فکر»، «نشانه زیرکی و میوه عقل»، «فلاح و رستگاری»، «آسودگی خاطر، سبکباری و سبک کردن بار گناهان»، «دور کننده شیاطین و باری‌گر در دین»، «سلامت در دین و دنیا»، «شبهه اهل حقیقت، رضایت الهی، ریاضت نفس، شیرینی عبادت، عفاف، مروت و زیرکی»، «عافیت»، «دستیابی به حکمت»، «مشاهده ملکوت»، «ایجاد هیبت در چشم مردم» و «نشانه فقاقت و راهنمای خیرات و مایه جلب محبت». برخی از آثار فوق‌الذکر مصداق صمت و سکوت و برخی نیز به عنوان اثر آن در روایات معرفی شده است.

کلمات کلیدی: آثار، فضیلت، صمت، سکوت، روایت.

**مقدمه**

استفاده بجا و درست از قدرت‌ها و امکانات بشری از آرزوهای دیرین هر انسانی است. این که انسان بتواند در خود ملکه‌ای ایجاد کند تا بتواند در سایه آن فضایل را بر خود هموار سازد و رذایل را از خود دور کند از اهمیت زیادی برخوردار است. در همین راستا مسئله مهم سخن و سخن‌گویی به عنوان یکی از مهمترین ابزار بشر برای رشد استعدادهای او قرار دارد. انسان باید در پرورش این استعداد تلاش کرده و استفاده بجا و درستی از این نعمت خدادادی داشته باشد.

از سویی دین اسلام دربردارنده مجموعه گهرباری از توصیه‌ها و تاکیدها درباره رشد استعدادهای انسانی است. آموزه‌های اسلام به خصوص مجامع روایی و حدیثی نکات ظریف تربیتی و اخلاقی را برای طالبان حق و حقیقت بیان نموده‌اند. در این راستا روایات فراوانی ناظر به اهمیت سخن و سخن‌گویی، فضیلت صمت و سکوت، تاکیدات بر گزیده و سنجیده‌گویی از امامان معصوم (ع) به یادگار مانده است. مقاله حاضر قصد دارد روایات ناظر به مسئله صمت و سکوت را مورد بررسی قرار داده، این فضیلت اخلاقی را با تاکید بر احادیث معصومان شرح و بسط دهد.

**فضیلت و اهمیت صمت در روایات**

احادیث معصومان (ع) پر است از معارفی که شامل معنای صمت می‌باشد که به دلیل کثرت، از باب نمونه تنها به شانزده روایت اشاره می‌گردد:

**۱. ایمان حقیقی**

در روایتی نبوی سکوت ایمان حقیقی شمرده شده است: «أَمْسِكْ لِسَانَكَ، فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ تَتَصَدَّقُ بِهَا عَلَى نَفْسِكَ. ثُمَّ قَالَ: وَ لَا يَعْرِفُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيْمَانِ، حَتَّى يَخْزُنَ لِسَانَهُ». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۲، ص ۱۸۴)؛ «زبان‌ت را نگهدار، زیرا نگهداری زبان صدقه‌ایست که بخود می‌دهی. سپس فرمود: هیچ بنده‌ای حقیقت ایمان را نشناسد، تا برخی از زبانش را نگهدارد».

این حدیث، کنترل زبان را عامل اصلی دستیابی به ایمان حقیقی معرفی می‌نماید و هیچ استثنایی برای آن قائل نیست؛ زیرا کلمه نکره (عبد) در سیاق نفی (لا یعرف)، افاده عموم می‌کند. لذا با توجه به این قاعده ادبی می‌توان چنین نتیجه گرفت کسی که نسبت به زبان خود مراقبت ندارد، از ایمان بهره‌ای ندارد.

**۲. بندگی حقیقی خدا**

در روایتی از امام صادق (ع) سکوت بندگی حقیقت خدا و به سان حج پیاده به سمت بیت الله معرفی شده است: «مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِثْلَ الصَّمْتِ وَالْمَسْئِي إِلَى بَيْتِ اللَّهِ». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۲، ص ۱۸۵)؛ «خداوند به چیزی همانند خاموشی گزیدن و پیاده رفتن به سوی خانه خدا عبادت نشده است».

در تعبیر حضرت علی (ع) نیز صمت برترین عبادت معرفی شده است: «لَا عِبَادَةَ كَالصَّمْتِ». (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۷۶۸)؛ «هیچ عبادتی مانند صمت نیست».

در روایتی از حضرت عیسی (ع) عبادت ده جزء معرفی شده که نه جزاش در صمت و سکوت است: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تَسَعُهُ مِنْهَا فِي الصَّمْتِ وَ جُزْءٌ وَاحِدٌ فِي الْفِرَارِ مِنَ النَّاسِ». (دیلمی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۱۰۴)؛ عبادت ده جزء است و نه جزء آن در خاموشی است و یک جزء در فرار از مردم».

این تعبیر که تمامی عبادت را منحصر در صمت و عزلت نموده، به معنای حصر حقیقی نیست که سایر عبادات را خارج کند؛ بلکه یا به معنای اهتمام بسیار به صمت است و به جهت مبالغه اینگونه تعبیر شده است و یا اینکه اشاره به منشأ عبادت دارد که تمامی عبادات از صمت شروع می‌شوند؛ بدین معنا که اگر کسی موفق به رعایت صمت شد و مدیر زبان خود گردید در سایر عبادات نیز موفق است.

به هر حال تعبیر، تعبیر بسیار تأمل‌برانگیز است. عصاره و خلاصه مطلب این که ریشه عبادت به مجاهده درونی انسان بر می‌گردد. آنچه در صمت اتفاق می‌افتد این است که شخص صموت در نفس خود دائماً در حال مبارزه و مجاهده است تا این زبانی که آرام و قرار ندارد را تحت اختیار درآورد.

**۳. گنج بسیار برای دانا و پوشش عیب برای نادان**

حضرت امام صادق (ع) سکوت را با تعابیر بسیار شگفت‌انگیزی توصیف نموده است: «الصَّمْتُ كَنْزٌ وَافِرٌ وَ زَيْنٌ الْحَلِيمِ وَ سِتْرٌ الْجَاهِلِ». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۲، ص ۱۸۵)؛ «سکوت گنجی است بارزش که حلیم و بردبار را زینت می‌دهد و جاهل را از جهل حفظ می‌کند».

در این روایت مسئله سکوت نه تنها برای انسان حلیم و دانا ضروری شمرده شده، حتی برای انسان جاهل و نادان نیز این صفت بارزش قلمداد شده است.

در روایت دیگری از همین امام بزرگوار چنین آمده است: «عَلَيْكَ بِالصَّمْتِ تَعَدَّ حَلِيمًا جَاهِلًا كُنْتَ أَوْ عَالِمًا فَإِنَّ الصَّمْتَ زَيْنٌ لَكَ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ وَ سِتْرٌ لَكَ عِنْدَ الْجُهَّالِ». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص ۳۰۵)؛ «عالم باشی یا جاهل، خاموشی را برگزین تا بردبار به شمار آیی زیرا خاموشی نزد دانایان زینت و در پیش نادانان پوشش است».

**۴. ایمنی از پشیمانی**

این که انسان در تعاملات اجتماعی گونه‌ای رفتار کند که پشیمانی در پی نداشته باشد، از اهمیت زیادی برخوردار است. در روایتی از حضرت داود خطاب به فرزندش حضرت سلیمان چنین آمده است: «يَا بُنَيَّ عَلَيكَ بِطُولِ الصَّمْتِ فَإِنَّ النَّدَامَةَ عَلَى طُولِ الصَّمْتِ مَرَّةٌ وَاحِدَةٌ خَيْرٌ مِنَ النَّدَامَةِ عَلَى كَثْرَةِ الْكَلَامِ مَرَاتٍ يَا بُنَيَّ لَوْ أَنَّ الْكَلَامَ كَانَ مِنْ فِضَّةٍ كَانَ يَنْبَغِي لِلصَّمْتِ أَنْ يَكُونَ مِنْ دَهَبٍ». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۲، ص ۱۸۶)؛ «ای فرزندم بر تو باد به سکوت طولانی و خاموشی مگر نسبت به مورد خوبی و خیر و جز از سخن خوب که در آن مورد سکوت روا نیست؛ چون یک بار ندامت و پشیمانی بر یک سکوت طولانی بهتر است از پشیمانی‌های متعدد از سخنان زیاد. ای فرزندم اگر سخن گفتن ارزش نقره را داشته باشد، سکوت طلاست».

در این روایت روی سکوت طولانی و ادامه‌دار تأکید شده است؛ چون معلوم است که سکوت مقطعی و موقت بدون این که عادت و ملکه‌ای بر انسان ایجاد کند، نمی‌تواند آن اهمیت را داشته باشد.

در تعبیری از حضرت علی (ع) نیز به مسئله ایمنی از پشیمانی اشاره شده است: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الصَّمْتِ عَنِ الْحُكْمِ كَمَا أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ وَ اعْلَمُوا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَّهُ مَنْ لَمْ يَمْلِكْ لِسَانَهُ يَنْدَمُ». (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۸، ص ۲۰)؛ «ای مردم! آن جا که باید سخن درست گفت در خاموشی خیری نیست، چنانکه در سخن ناآگاهانه نیز خیری نخواهد بود و بدانید هر کس بر زبانش مسلط نباشد، پشیمان می‌شود».

**۵. پرورش دهنده فکر**

انسان لازم است از هر وسیله‌ای برای پرورش فکر و خرد خود کمک بگیرد. گاهی پرحرفی مانع چنین کاری است و در عوض صمت و سکوت این شرایط را برای نفس مهیا می‌کند که بتواند فکر را پرورش داده و تقویت کند. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «الصَّمْتُ رَوْضَةُ الْفِكْرِ». (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۲۱۵)؛ «خاموشی باغ فکر است».

از روایت فوق استفاده می‌شود که ارتباط تنگاتنگی بین صمت و عقل وجود دارد. وقتی شخص تصمیم گرفت صادرات زبان خود را کنترل نماید، بدیهی است که عملیات فکری او افزایش خواهد یافت؛ زیرا قوه عاقله است که بر تمامی اعضای انسان از جمله زبان حکومت دارد. زمانی که سخن به دلیل مراقبت شدید کاهش یافت، فرد فرصت بیشتری برای تفکر و تعقل پیدا می‌کند و در بوستان فکر اقامت می‌گزیند.

طبیعی است در جائیکه تردد زیاد است، مراقبان و اهل کنترل فعالیت بیشتری دارند و در نتیجه به مرور زمان از پختگی و کمال بیشتری نسبت به سایر افراد برخوردار می‌گردند. اینجا نیز اینگونه است.

تعبیر «روضه الفکر» نشانگر نقش فوق العاده مؤثر صمت در شکوفایی تفکر انسان است. «الروضه»: عبارت از باغستان محدودی است که خوش‌منظر و مسرت بخش باشد. (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۱۹، ص ۱۰۹) زیباترین قسمت باغ را روضه گویند.

در تعبیر دیگری حضرت این حقیقت را با عبارت نورانیت فکر بیان فرموده است: «إِلْزَمِ الصَّمْتَ، يَسْتَنْرِفُ فِكْرُكَ». (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۱۳۲)؛ «ملازم صمت و سکوت باش تا فکرت نورانی گردد».

عقل انسان زمانی که قرار است بر حرکات زبان نظارت داشته باشد، (با توجه به حجم گسترده فعالیت زبان) تلاش بیستری را جهت صدور کلام و سخن نیکو خواهد داشت و در صورت استمرار این تلاش، عقل ورزیده خواهد شد و چون این تلاش با قصد خالص انجام می‌گیرد، فکر نورانی گشته و استعداد بیشتری کسب خواهد کرد. زبان خیلی حساس و سریع‌السير است که با کوچکترین تکان می‌تواند جهان و اجتماعات را جابجا کند و کنترل آن بسیار قدرت می‌خواهد و نیاز به اراده بالایی است. اگر انسان بتواند بر کنترل آن موفق شود نشانگر آن است که روحش به یک سری مراحل بالایی رسیده است و اگر روی آن درست کار کند می‌تواند روح خودش را پرورش دهد.

**۶. نشانه زیرکی و میوه عقل**

انسان دانا و زرنگ با نادان تفاوت‌هایی دارد که کم حرفی از نشانه‌های بسیار مهم دانایی و زرنگی است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «الصمتُ آيةُ النبيلِ وثمرَةُ العقلِ». (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۸۱۵)؛ «خاموشی علامت باهوشی و میوه عقل است». «تبل» در لغت به دو معنا آمده است: یکی به معنای ذکاوت و تیزهوشی و دیگری به معنای فضیلت و نجابت است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۸، ص ۳۲۸ و صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ص ۳۲۴)

بنابر معنای اول رابطه بین صمت و ذکاوت مشخص است؛ چراکه کاستن از سخن و تکلم و مدیریت کلام، ملازم با ازدیاد تفکر است. یعنی شخص صمت، غالباً برای تحقق صمت، مشغول فکر بوده و متوجه است که سخنان خود را از روی فکر، صادر کند. لذا قوه مفکره وی در حرکت بوده و این موجب تیزی و بالا رفتن قدرت ذهنی او می‌گردد. بنابر معنی دوم نیز روشن است که صمت و کنترل زبان، نشانه فضل و کمال انسان است. شخصی که در اثر مجاهده مستمر به این قدرت روحی رسیده است که می‌تواند زبان خود را در اختیار داشته باشد، انسان مترقی و فاضلی به شمار می‌رود؛ زیرا تسلط بر زبان منشأ سایر کمالات است.

**۷. فلاح و رستگاری**

حضرت علی (ع) در فضیلت انسانی که اهل صمت و سکوت است، با تعبیر «قد افلح» به رستگاری چنین انسانی اشاره کرده می‌فرماید: «قد أفلح التقيُّ الصموت». (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۴۹۲)؛ «به تحقیق، فرد باتقوا و اهل صمت رستگار شد».

**۸. آسودگی خاطر، سبکباری و سبک کردن بار گناهان**

حضرت امام کاظم (ع) در سفارشی اخلاقی به هشام بن حکم در فضیلت صمت و سکوت می‌فرماید: «يا هِشامُ قَلَّةُ الْمُنْطِقِ حُكْمٌ عَظِيمٌ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّمْتِ فَإِنَّهُ دَعَةٌ حَسَنَةٌ وَ قَلَّةٌ وَزِرٌّ وَ حِقَّةٌ مِنَ الدُّنُوبِ». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص ۳۹۴)؛ «کم‌گویی، حکمت بزرگی است؛ بر شما باد به خاموشی که آسایش‌نیکو و سبکباری و سبب تخفیف گناه است». «حُکْم» در لغت به معنای منع است. به حکم قاضی، حکم گفته می‌شود؛ زیرا مانع از ظلم است. علت نام‌گذاری حکمت نیز به جهت منع از جهل است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۹۱)

بنابراین رابطه بین کنترل زبان و پرورش قوه عقل، یک رابطه مستقیم است. طبق تعبیر فوق، که صمت را حکم معرفی نموده است، از ادامه عبارت می‌توان معنای آن را فهمید. کم‌حرفی مولد حکمت است؛ آن‌هم حکمت بزرگ؛ زیرا این حکمت، صاحب صمت را از آلودگی‌ها و جهالت‌ها و گناهان منع کرده و در نتیجه چنین شخصی همیشه آسوده‌خاطر و سبکبار از معاصی و گناهان است. البته این جهالت که حکمت، مانع از آن است، جهل در مقابل عقل است؛ نه جهل در برابر علم. یعنی چه بسا شخص دانشمندی به لحاظ عدم مراقبت از زبان خود، اهل حکمت نباشد.

**۹. دور کننده شیاطین و یاری‌گر در دین**

در تعبیری از نبی مکرم اسلام، صمت و سکوت دورکننده شیطان و یاری‌گر بر دینداری توصیف شده است: «عَلَيْكَ بِطَوْلِ الصَّمْتِ فَإِنَّهُ مَطْرَدَةٌ لِلشَّيَاطِينِ وَ عَوْنٌ لَكَ عَلَى أَمْرِ دِينِكَ». (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۵۲۶)؛ «خود را ملزم به سکوت طولانی کن، چرا که این کار موجب طرد شیطان بوده و در کار دین، یاور توست».

پیامبر گرامی اسلام، در این عبارت مخاطب را به طولانی کردن صمت امر می‌کند. صیغه امر ظهور در وجوب دارد. یعنی داشتن چنین ویژگی بر انسان لازم است. البته فلسفه این وجوب را نیز از تعلیل عبارت می‌توان فهمید. «مطرده» مصدر میمی بوده و حمل اسم معنی بر اسم ذات در عبارت، مفید مبالغه بوده و از قبیل «زیدٌ عدلٌ» می‌باشد. یعنی طول صمت، بسیار در راندن شیاطین مؤثر است. «الشیاطین» صیغه جمع محلی به ال بوده و افاده عمومیت می‌کند و شامل تمامی شیطان‌ها حتی شیاطین انسی نیز می‌گردد.

معلوم است که اگر فردی از شر شیاطینی که دائماً در حال اغوا و وسوسه است، دور باشد، چقدر راحت می‌تواند به امور معنوی و دینی خود بپردازد. از این رو فرمود: «عَوْنٌ لَكَ عَلَى أَمْرِ دِينِكَ».

## ۱۰. سلامت در دین و دنیا

در روایتی از امام سجاد (ع) صمت و سکوت مایه حفظ و سلامتی دین مومن معرفی شده است: «الْمُؤْمِنُ يُصَمْتُ لِيَسْلَمَ وَ يَنْطِقُ لِيَعْتَمَ». (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۲۳۱)؛ «مؤمن سکوت می کند تا سالم بماند و سخن می گوید تا سود برد». اینک عنوان «المؤمن» در روایت، موضوع سخن قرار گرفته است، اشاره به علیت ایمان برای رعایت صمت و نطق دارد. یعنی سبب سلامتی و بهره جویی انسان از طریق صمت و تکلم، ایمان است.

در روایتی از امام باقر (ع) نیز صمت و سکوت مایه سلامتی از گناهان معرفی شده است: «لَا يَسْلَمُ أَحَدٌ مِنَ الذُّنُوبِ حَتَّى يَخْزَنَ لِسَانَهُ». (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ص ۱۷۸)؛ «هیچکس تا زبانش را نگه ندارد از گناهان در امان نیست». این حدیث به خوبی جایگاه صمت را روشن می سازد. سلامتی و عصمت از تمامی گناهان به این خاطر که جمع محلی به الف و لام مفید عموم است، متوقف بر حفاظت کامل از زبان گشته است و این مطلب قابل توجهی است. شاید این رابطه را بتوان این گونه توضیح داد که: بسیاری از معاصی از طریق زبان صورت می گیرد و اگر کسی از آن ها در امان باشد می تواند از بقیه آفات نیز محفوظ باشد. یا اینکه اگر کسی موفق به کنترل زبان خویش شد، قدرت مهار نفس خویش در سایر معاصی را نیز خواهد داشت.

## ۱۱. شیوه اهل حقیقت، رضایت الهی، ریاضت نفس، شیرینی عبادت، عفاف، مروت و زیرکی

یکی از روایات مهم در باب صمت، حدیث شریف مذکور در باب چهل و ششم از کتاب مصباح الشریعه می باشد. روایت مزبور از حضرت امام صادق (ع) بوده و چنین است: «الصَّمْتُ شِعَارُ الْمُحَقِّقِينَ بِحَقَائِقِ مَا سَبَقَ وَ جَفَأُ الْقَلَمِ بِهِ وَ هُوَ مِفْتَاحُ كُلِّ رَاحَةٍ مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ فِيهِ رَضَى اللَّهُ وَ تَخَفِيفُ الْحِسَابِ وَ الصَّوْنُ مِنَ الْخَطَايَا وَ الزَّلَلِ وَ قَدْ جَعَلَهُ اللَّهُ سِتْرًا عَلَى الْجَاهِلِ وَ زِينًا لِلْعَالِمِ وَ مَعَهُ عَزْلُ الْهَوَى وَ رِيَاضَةُ النَّفْسِ وَ حَلَاوَةُ الْعِبَادَةِ وَ زَوَالُ قَسْوَةِ الْقَلْبِ وَ الْعَفَافُ وَ الْمُرُوَّةُ وَ الظَّرْفُ فَأَعْلَقُ بَابَ لِسَانِكَ عَمَّا لَكَ مِنْهُ بُدٌّ لَا سِيَّمَا إِذَا لَمْ تَجِدْ أَهْلًا لِلِكَلَامِ وَ الْمُسَاعِدَةَ فِي الْمَذَاكِرَةِ لِلَّهِ وَ فِي اللَّهِ وَ كَانَ رَبِيعُ بَنُ حَيْثِمٍ يَضَعُ قِرْطَاسًا بَيْنَ يَدَيْهِ فَيَكْتُبُ كُلَّ مَا يَتَكَلَّمُ بِهِ ثُمَّ يَخَاسِبُ نَفْسَهُ فِي عَشِيَّتِهِ مَا لَهُ وَ مَا عَلَيْهِ وَ يَقُولُ آه آه نَجَا الصَّامِتُونَ يَقِينًا وَ كَانَ بَعْضُ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَضَعُ الْحَصَاةَ فِي فَمِهِ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِمَا عَلِمَ أَنَّهُ لِلَّهِ وَ فِي اللَّهِ». (جعفر بن محمد، ۱۳۶۰: ص ۱۱۷)؛ «صمت و حرف زدن شعار اهل حقیقتی است که به حقایق امور نانوشته واقفاند. سکوت کلید هر گونه راحتی و آسایش دنیوی و اخروی است. موجب رضا و خوشنودی پروردگار متعال است. حساب انسان در روز رستاخیز سبک و آسان می شود. از خطا و لغزش و اشتباه محفوظ می ماند. برای شخص جاهل پرده ساتر و برای عالم زینت است. با سکوت هوا و هوس های نفسانی قطع می شود. به خاطر سکوت و جلوگیری از تظاهرات مجاهدت با نفس حاصل می شود. در اثر قطع هوی و مجاهدت با نفس توجه به روحانیت و عبادت پیدا شده و حلاوت و لذت عبادت فهمیده می شود. سختی قلب و قساوت دل مرتفع می شود. برای نفس عفت و حیا و پرهیزکاری حاصل می شود. در اثر سکوت تدبر و تعقل و سپس مروت و مردانگی حاصل می شود. موجب تدبر صحیح و سپس موجب فهم و کیاست و عقل است. پس تا مجبور و ناچار نشدی لب به سخن گفتن مگشای، و زبان فروبند، مخصوصا اگر شنونده اهل و مناسبی که برای خدا و در راه خدا باشد مشاهده نکردی.

شعار به معنای لباس زیر انسان است که چسبیده به بدن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۴۱۲) اینک در روایت، صمت به عنوان لباس زیرین اهل تحقیق معرفی شده است، استعاره از ملازمت و ملاصقت است. یعنی همان گونه که شعار و لباس زیر همیشه به بدن انسان چسبیده و همراه اوست، همانطور اهل تحقیق همیشه ملازم با صمت هستند. به عبارت دیگر صمت طریقه و شیوه اهل حقیقت است و دائماً این صفت را با خود به همراه دارند.

محقق نیز به کسی گفته می شود که به حقیقت دست یافته است.

شهید ثانی در توضیح این فقره می فرماید: «صمت و خاموشی، طریقه اهل تحقیق است و شعار کسانی است که به چشم بصیرت در احوال گذشته ها، نظر کنند و در تغییرات و تبدیلات که بر انبیای سابقین و لاحقین و ملوک جبارین و اشقیای سعادی ماضین واقع شده، تفکر نمایند. معلوم است که این چنین نظری موجب حیرت است و حیرت موجب صمت و سکوت، و نیست سبب سکوت، مگر این و بس». (شهید ثانی، ۱۳۷۷: ص ۱۶۹)

**۱۲. عافیت**

حضرت علی (ع) به فرزندش امام حسین (ع) می‌فرماید: «أَيُّ بُنَى الْعَافِيَةِ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تَسَعُهُ مِنْهَا فِي الصَّمْتِ إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص ۸۹)؛ «فرزندم! عافیت ده جزء است که نه قسمت آن در سکوت نهفته است البته یاد خدا مستثناست». از این تعبیر به خوبی مشهود است که نقش صمت در عافیت انسان چیست. عافیت به معنای سلامتی است. (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ج ۳، ص ۲۶۵) البته سلامتی، هم شامل سلامتی جسمی است و هم روحی؛ گرچه غالباً در سلامتی جسمانی استعمال می‌شود. عمده سبب ایجاد عافیت در انسان، صمت است. اینکه فرمود سکوت کند مگر کلامی که ذکر خدا باشد، بدین معناست که انسان باید به جایی برسد که اگر قرار است سخن بگوید، سخنش مصداق ذکر الله باشد.

در روایتی از حضرت علی (ع) مسئله استثنای ذکر الهی از صمت چنین نقل شده است: «الْعَاقِلُ مَنْ عَقَلَ لِسَانَهُ إِلَّا عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ». (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ص ۲۷)؛ «عاقل کسی است که زبان خود را از غیر ذکر خدا باز دارد».

طبق حدیث فوق، صمت یعنی ساکت شدن از تمامی گفتارهایی که ذکر خدا نیست. معنای حدیث این نیست که انسان در محاورات خود، فقط ذکر لفظی از قبیل «لا اله الا الله و...» بگوید. زیرا بدیهی است که زندگی اجتماعی انسان مختل می‌شود. ذکر خدا یعنی هر عملی که در مسیر طاعت خدا باشد. ذکر آنگونه که از لفظش برمی‌آید به معنای گفتن نیست. ذکر یعنی یاد. هر عملی که مصداق یاد خدا باشد. پس اگر خواست صحبت کند تفکر می‌کند که آیا این سخن، مقرب به درگاه الهی است یا مبعّد؟ ذکر این نیست که فقط انسان مشغول ذکر لفظی شود؛ بلکه حقیقت ذکر عبارت است از هر عملی که برای انجام وظیفه باشد. زمانی که انسان به دنبال وظیفه است در واقع به یاد خداست؛ زیرا می‌خواهد بداند که هم اکنون خدای متعال از وی چه انتظاری دارد.

**۱۳. دستیابی به حکمت**

اثر دیگر صمت، حصول حکمت است. یعنی راه‌یابی انسان به حقایق و واقعیت‌های نایافته و درک واضح و آشکار آن‌ها. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ص ۷۲)

در روایتی از حضرت علی (ع) سکوت حکمت و سلامت معرفی دهه است: «الصَّمْتُ حُكْمٌ وَ السَّكُوتُ سَلَامَةٌ». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص ۲۲۳)؛ «خاموشی حکمت است و سکوت سلامتی است».

منشأ سخن نگفتن در صمت، عقل انسان و تدبیر اوست؛ لذا در اثر مداومت بر رعایت صمت، درهای حکمت به روی انسان گشوده می‌شود. در اثر پویایی و رشد عقل نظری و عملی حکمت تولید می‌شود.

اما منشأ سخن نگفتن در سکوت، می‌تواند امور مختلفی از قبیل خواب، اکراه، نادانی و... باشد که هیچ کدام فضیلت محسوب نمی‌شود. لکن از این جهت که کاری از انسان صادر نمی‌شود، از بسیاری از آفات در امان می‌ماند و به سلامت به سر می‌برد. مثلاً انسان وقتی سخن نگوید حداقل این است که اسرار او فاش نمی‌شود. در بعضی روایات هست که با سکوت اسرار خود را حفظ کنید. برخی از افراد مدام حرف می‌زنند. اولین زبانی که این دسته از انسان‌ها می‌بینند این است که خیلی از اسرار او فاش می‌شود، و خیلی‌ها را آزار می‌دهد؛ عیب او برملا می‌شود و... سکوت موجب سلامت است، انسان با سکوت به کسی تعرض نمی‌کند. پس انسان اهل صمت، هم در سلامتی است و بالاتر اینکه اگر سخنی گفت، گفتاری حکیمانه و مفید به حال خود و دیگران خواهد بود.

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر معنای حکمت می‌نویسد: «کلمه حکمت به کسره حاء به معنای نوعی احکام و اتقان و یا نوعی از امر محکم و متقن است، آن چنان که هیچ رخنه و یا سستی در آن نباشد، و این کلمه بیشتر در معلومات عقلی و حق و صادق استعمال می‌شود، و معنایش در این موارد این است که بطلان و کذب به هیچ وجه در آن معنا راه ندارد. این جمله دلالت دارد بر اینکه بیانی که خدا در آن بیان حال انفاق و وضع همه علل و اسباب آن را و آثار صالح آن در زندگی حقیقی بشر را شرح داده، خود یکی از مصادیق حکمت است. پس حکمت عبارت است از قضایای حقه‌ای که مطابق با واقع باشد، یعنی به نحوی مشتمل بر سعادت بشر باشد، مثلاً معارف حقه الهیه در باره مبدأ و معاد باشد، و یا اگر مشتمل بر معارفی از حقایق عالم طبیعی است معارفی باشد که باز با سعادت انسان سروکار داشته باشد، مانند حقائق فطری که اساس تشریحات دینی را تشکیل می‌دهد». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۶۰۷)

کسانی که حساب‌شده حرف می‌زنند، انرژی خود را بیهوده هدر نمی‌دهند. بلکه این نیرو، جهت امور مثبت و نیکو ذخیره می‌شود. کسانی که زیاد صحبت می‌کنند، فعالیت‌های ذهنی‌شان پراکنده گشته و از قدرت تفکر و تمرکزشان کم می‌شود. وقتی انسان سعی کند کم حرف بزند و حتی از حرف‌های بی‌فایده اجتناب کند، انرژی که صرف حرف زدن می‌گشت، صرف تفکر، توجه و دستیابی به آگاهی بیشتر می‌گردد.

ارزش انسان به آگاهی و شعور اوست و اگر درک و آگاهی نداشته باشد، گرچه از بعد حیوانی جسمش رشد می‌کند، ولی از بعد انسانی ارزشی ندارد. هر قدر شعور، آگاهی و توجه انسان بیشتر باشد، از بعد انسانی بیشتر رشد کرده است و هر قدر به غفلت مبتلا گردد، از انسانیت دور می‌شود. انسانهایی که زیاد حرف می‌زنند، درک و آگاهی و شعورشان کم است، لذا وقت خود را به امور بی فایده می‌گذرانند، گاهی چند ساعت حرف می‌زنند، ولی توجه ندارند چه می‌گویند، در مقابل کسانی که شعور و آگاهی شان بیشتر است، خود را کنترل می‌کنند و سنجیده سخن می‌گویند.

علامه طباطبایی در پرسش کسی که از او درباره نحوه حضور قلب در نماز پرسیده بود، فرمود: اگر می‌خواهی در نماز حضور قلب داشته باشی، کم حرف بزن. توضیح روان‌شناختی این مطلب این است که وقتی انسان زیاد حرف می‌زند، ذهنش به امور گوناگون مشغول می‌گردد و در نتیجه پراکنده نگری، قدرت تمرکز از او گرفته می‌شود، لذا در نماز نیز نمی‌تواند حواسش را جمع کند و فکرش پراکنده می‌گردد. اما وقتی عادت کرد جلوی زبانش را بگیرد و هر حرفی را نزند، قدرت بر تمرکز پیدا می‌کند». (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ص ۷۲)

#### ۱۴. مشاهده ملکوت

یکی از آثار بسیار مهم صمت و سکوت مشاهده ملکوت است که این حقیقت در روایتی از پیامبر اسلام (ص) منعکس شده است: «لَوْ لَا تَكْثِيرُ فِي كَلَامِكُمْ وَ تَمْرِيحُ فِي قُلُوبِكُمْ لَرَأَيْتُمْ مَا أَرَى وَ لَسَمِعْتُمْ مَا أَسْمَعُ». (ابن سبعین، ۱۴۲۸: ص ۱۱۳)؛ «اگر نبود پرحرفی‌ها و حرفهای اضافی شما و اگر نبود ول انگاری دل‌هایتان، می‌توانستید ببینید آن چه را که من می‌بینم و بشنوید آن را که من می‌شنوم».

اگر تناسب بین جمله شرط و جزاء در حدیث پیامبر مورد توجه قرار گیرد، نقش و اهمیت کثرت کلام و به تبع، اهمیت صمت و کنترل زبان مشخص می‌گردد.

پیامبر اکرم دارای مقام مشاهده است و همانگونه که عالم ملک را می‌بیند، عالم ملکوت نیز برایش عیان است. برای دستیابی به مشاهده ملکوت عالم و پشت پرده دنیا، دو عامل ذکر گردیده است: کنترل زبان و مواظبت از قلب.

البته حفظ قلب، مرتبه‌ای است که بدون مراقبت و تسلط بر زبان امکان ندارد. بنابراین ارزش دارد که انسان، تمام همت و تلاش خود را بر روی این امر مصروف دارد تا برای حفاظت از قلب خود آمادگی یافته و در نتیجه، میوه شیرین این مجاهده سنگین یعنی مشاهده ملکوت را بیابد.

#### ۱۵. ایجاد هیبت در چشم مردم

امیرالمؤمنین (ع) هیبت را از دستاوردهای صمت می‌داند: «بِكَثْرَةِ الصَّمْتِ تَكُونُ الْهَيْبَةُ». (سید رضی، ۱۴۱۴: ص ۵۰۸)؛ «به خاموشی بسیار هیبت و بزرگی پدید آید».

از جمله آثار صمت می‌توان به ایجاد هیبت در شخص اشاره کرد. کسی که در گفتار خود زیاده‌روی کرده و ارزشی برای سخن خود قائل نیست و هر چه به زبان آید می‌گوید، در چشم مردم اعتبار و ارزش خاصی ندارد؛ بلکه سبک‌وزن و حقیر جلوه می‌نماید. برخلاف شخص صموت که وقار و هیبت خاصی را به همراه دارد.

منشأ وقار و هیبت، وجود عقل سلیم و کامل در فرد است. از آنجائی که انسان صموت، از عقل خود بسیار استفاده می‌کند و در نتیجه عقل خود را رشد می‌دهد، لذا از هیبت مخصوص به خود نیز بهره‌مند می‌شود.

#### ۱۶. نشانه فقاقت و راهنمای خیرات و مایه جلب محبت

در حدیثی از امام رضا (ع) صمت و سکوت نشانه فقاقت و دانایی فرد معرفی شده است: «مِنْ عَلَامَاتِ الْفِقْهِ الْجِلْمُ وَ الْعِلْمُ وَ الصَّمْتُ إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ إِنَّ الصَّمْتَ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ». (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۱۱۳)؛ «از نشانه‌های فقاقت بردباری و علم و خاموشی است، همانا خاموشی یکی از درهای حکمت است، همانا خاموشی محبت می‌آورد و راهنمای هر امر خیری می‌باشد».

طبق حدیث فوق، یکی از آثار فقاقت انسان و عمق علمی او، صمت است؛ به گونه‌ای که از صمت، چشمه‌های حکمت جوشیده و صاحب صمت را به تمامی خیرات، راهنمایی می‌کند.

اینکه امام معصوم از بین سه علامت حلم و علم و صمت، فقط به تبیین آثار صمت پرداخته است، گویای نقش فوق العاده صمت در ایجاد فهم عمیق در انسان است. سه ویژگی و اثر صمت را بیان می‌فرماید و در هر سه مورد با ابزار تأکید «إِنَّ» آغاز می‌نماید که حاکی از اهمیت مطلب است.

سکوت محبت می‌آورد، به خاطر این است که بسیاری از رنجش‌ها و عداوت‌ها از نیش‌زبان و تعبیرات نامناسب حاصل می‌شود، و سکوت انسان را از آن نجات می‌دهد. البته محبت در این عبارت، هم شامل محبت مخلوق می‌شود و هم شامل محبت خالق. یعنی اهل صمت را خداوند دوست دارد و مطلوب خداست.

### نتیجه‌گیری

با توجه به آموزه‌های روایی می‌توان نتایج پژوهش حاضر را در موارد ذیل خلاصه نمود:

کنترل زبان عامل اصلی دستیابی به ایمان حقیقی است.

سکوت بندگی حقیقی خداست.

سکوت گنج دانا و پرده عیوب نادان است.

سکوت ایمنی از پشیمانی است.

سکوت پرورش دهنده فکر و اندیشه است.

سکوت نشانه زیرکی و میوه عقل انسان است.

انسانی که سکوت اختیار کرده به فلاح و رستگاری می‌رسد.

سکوت سبک کردن بار گناهان است.

سکوت دور کننده شیاطین و یاری‌گر در دین است.

سکوت سلامتی دین و دنیا است.

سکوت شیوه اهل حقیقت، رضایت الهی، ریاضت نفس، شیرینی عبادت، عفاف، مروت و زیرکی است.

اگر عافیت ده جزء داشته باشد، نه جزء آن در سکوت است.

با سکوت می‌توان به حکمت دست یافت.

با سکوت می‌توان به مشاهده ملکوت نائل شد.

سکوت هیبت و عظمتی را برای انسان در چشم مردم ایجاد می‌کند.

سکوت نشانه فقاہت و راهنمای خیرات و مایه جلب محبت است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع و مراجع

- قرآن کریم.
- ۱. آمدی تمیمی، عبد الواحد، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق رجائی سید مهدی، دار الکتب الإسلامی، قم، ۱۴۱۰.
- ۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، تحقیق طناحی، محمود محمد، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷.
- ۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، تحقیق غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲.
- ۴. ابن سبعین، عبد الحق بن ابراهیم، انوار النبی، دار الآفاق العربیة، قاهره، ۱۴۲۸.
- ۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تحقیق غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴.
- ۶. ابن فارس، ابو الحسین، بن زکریا، معجم مقانیس اللغة، تحقیق عبد السلام محمد هارون، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۴.
- ۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق میر دامادی جمال الدین، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع و دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴.
- ۸. جعفر بن محمد (ع)، مصباح الشریعة، ترجمه علامه مصطفوی، حسن، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۶۰.
- ۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹.
- ۱۰. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۲.
- ۱۱. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تحقیق صالح، صبحی، هجرت، قم، ۱۴۱۴.
- ۱۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی، شرح مصباح الشریعة، ترجمه گیلانی، عبد الرزاق بن محمد هاشم، تحقیق آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، پیام حق، تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۳. صاحب بن عباد، المحيط فی اللغة، تحقیق آل یاسین، محمد حسن، عالم الكتاب، بیروت، ۱۴۱۴.
- ۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی سید محمد باقر، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴.
- ۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه گروهی از مترجمان، تحقیق رضا ستوده، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۰.
- ۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، ترجمه مصطفوی، سید جواد، کتابفروشی علمیه اسلامیة، تهران، ۱۳۶۹.
- ۱۷. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق حسنی بیرجندی، حسین، دار الحدیث، قم، ۱۳۷۶.
- ۱۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳.
- ۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی، راهیان کوی دوست، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۴.